

Rational and Quranic politics in modern Islamic civilization in contemporary Iran

Mahmoud Shariatipour¹

Received: 4 April 2023

Mohammad Jafari Harandi²

Reception: 22 May 2023

Seyyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi³

Abstract

The problem of the present research is the answer to the question that what is the role of the Quran and its teachings in the wisdom of Muslims and the realization of the new Islamic civilization? Based on the findings of the present research, by examining the verses of the Qur'an and using the descriptive and analytical method, it was found that the issue of wisdom in the verses of the Qur'an is very important and its absence is considered to be synonymous with deviation from the path of truth. The importance of wisdom is to such an extent that it is considered synonymous with the understanding of Islamic civilization and the creation of human society, and it can lead to the spirit of questioning, the growth and prosperity of human society, and finally, the creation of desirable thoughts in the framework of civilization. Therefore, the great scientific and cultural heritage of mankind is the result of the role of the Quran in the wisdom of Muslims and the creation of Islamic civilization, and it has caused debates between thinkers and Quranic researchers.

Key Word: contemporary Iran, Ideal thought, Islamic civilization, Muslims, Quran, wisdom.

¹Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Imam Khomeini (RA) Memorial Unit, Ray Shahr, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mahmoodshariatipour@gmail.com

² Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law Department, Yadgar Imam Khomeini (RA) Shahr Ray Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) harandi_lawyer@yahoo.com

³Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini Memorial Unit, Shahr Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mirsafy@yahoo.com

سیاست عقلانی و قرآنی در تمدن نوین اسلامی در ایران معاصر

محمود شریعتی پور^۱
 محمد جعفری هرنندی^۲
 سیده فاطمه حسینی میرصفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۵/۰۱/۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۳/۱۴۰۲

چکیده

مسئله پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که نقش قرآن و آموزه‌های ناشی از آن در خردورزی مسلمانان و تحقق تمدن نوین اسلامی در ایران معاصر چیست؟ بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، با بررسی آیات قرآن و استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، مشخص شد که مسئله خردورزی در آیات قرآن بسیار مورد توجه بوده و نبود آن مترادف با انحراف از مسیر حقیقت دانسته شده است. اهمیت خردورزی تا بدین حد است که مترادف با فهم تمدن اسلامی در ایران و ایجاد جامعه بشری دانسته شده، و می‌تواند به روحیه پرسشگری، رشد و شکوفایی جامعه بشری و درنهایت، ایجاد اندیشه مطلوب در چارچوب تمدن‌سازی منجر گردد ضرورت انجام این پژوهش، آشکارسازی ظرفیت‌های قرآن در چگونگی تحلیل و تفسیر اندیشه مطلوب، و مهم‌تر از همه ضرورت اثبات نقش آن در عقلانیت و تحقق تمدن نوین اسلامی برای پژوهشگران حوزه معارف قرآنی است.

کلیدواژه: اندیشه مطلوب، تمدن اسلامی، خردورزی، قرآن، مسلمانان، معاصر ایران

^۱ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 mahmoodshariatipoor@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده
 harandi_lawyer@yahoo.com مسئول)

^۳ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 mirsafy@yahoo.com

در طول تاریخ فکری مسلمانان، قرآن به‌عنوان متن نازل‌شده و سنگ‌بنای دین اسلام، عالی‌ترین و تأثیرگذارترین منبع معارف اسلامی است. یکی از ارکان محوری تعالیم قرآن، آفرینش جهان هستی برپایه اراده خداوندی است. در نتیجه، تلاش برای درک خلقت جهان و ترسیم آینده‌ای نوین، بخش عمده‌ای از ادبیات فلسفی، کلامی و عرفانی مسلمانان است که از طریق آیات و تفسیر مطلوب آن امکان‌پذیر است. در آیات متعددی، انسان‌ها به دلیل عدم تعقل مورد عتاب حق تعالی قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، آیه ۱۰ سوره ملک، عدم تعقل و تفکر را مصداق اهلیت در جهنم دانسته است. «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک، ۱۰)؛ «و گویند: اگر ما در دنیا (سخن انبیا) می‌شنیدیم یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم (امروز) از دوزخیان نبودیم». در قرآن کریم و روایات، افرادی که تدبّر نمی‌کنند مورد هذمت قرار گرفته‌اند. تدبّر؛ یعنی به عاقبت و آخر آن کار و تأمل و فکر نمودن است (قرشی بنانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۲۶)، و نیز به معنای چاره‌جویی، تنظیم، اداره کردن و وضع مقدمات است. در مفردات، تدبّر به معنای اندیشیدن در پشت امور است «التدبیر: التفكير في دبر الامور» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۰۶). در قرآن کریم کلمه «تدبّر» فقط در مورد قرآن به‌کاررفته و انسان به تدبّر در قرآن و آیات فراخوانده شده است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نسا، ۸۲)؛ «آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر از جلنب غیرخدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند». در آیه دیگری هدف از نزول قرآن، تدبّر در آیات و تذکر گرفتن از آن است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص، ۲۹)؛ «قرآن کتاب بابرکتی است که آن را به‌سوی تو (ای پیامبر) فرستادیم تا (مردم) در آیات آن تدبّر کنند و برای خردمندان تذکر است». این نوشتار در پی آشکارسازی نقش آموزه‌های قرآن در زمینه خردورزی مسلمان‌ها و تمدن‌سازی است که در قرون گذشته محقق شده، و این قابلیت وجود دارد که تمدن نوین اسلام شکل گیرد.

طبق بررسی‌های انجام‌شده در حوزه خردورزی و تحقق تمدن نوین اسلامی، ۴۹ بار ریشه (ع ق ل)، ۱۸ بار ریشه (ف ک ر) و ۲۷ بار ریشه (م د ن) در قرآن به‌کاررفته، و تحقیقاتی قابل‌مشاهده است. از آثار موجود مرتبط، در پایان‌نامه‌ای، نقش خرد در نهج‌البلاغه بررسی شده است (خادمی سیدبنادکی، ۱۳۷۸). در پایان‌نامه دیگری با عنوان نقش و جایگاه قرآن کریم در پایه‌ریزی تمدن صدر اسلام، نشان داده شده که قرآن توانسته جامعه‌ای بسازد و تمدن نوینی به بشریت عرضه کند (یعقوب زاده، ۱۳۸۳). در این دو نوشتار، صرفاً نقش قرآن و آن‌هم مختصر بیان‌شده، درحالی‌که در نوشتار پیش رو؛ نقش قرآن هم در

خردورزی و هم در تحقق تمدن نوین اسلامی با توجه به تجربه دهه‌های ابتدایی شکل‌گیری تمدن اسلامی و مؤلفه‌های آن بیان شده است. شریف عسکری (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود با عنوان بررسی دیدگاه مستشرق مارشال هاجسن، به بررسی نقش قرآن و پیامبر اکرم (ص) در شکل‌گیری تمدن اسلامی پرداخته که استفاده از روش‌های نوین و بهره‌گیری از داشته‌های ادیان مختلف توسط این محقق می‌تواند دیدگاه‌های تازه‌ای را در زمینه مطالعات تاریخی فراهم سازد. خیام باشی (۱۴۰۰) در پژوهش طراحی الگوی قرآنی «شهر طیب» منطبق با گام دوم انقلاب، تلاش کرده به ارائه مدل مفهومی و اجرایی شهر اسلامی اقدام کند. علاوه بر این موارد، می‌توان به پژوهش‌های انجام‌شده توسط قربانی (۱۳۹۳) با عنوان نقش قرآن در شکوفایی حیات عقلانی تمدن اسلامی؛ فرزانه و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری؛ الهی دوست (۱۴۰۰)؛ محمدی آشنانی و سجادی جی (۱۴۰۱) اشاره نمود. هیچ‌کدام از اسناد نگارش یافته مشخصاً به ایده‌ی اصلی و تحلیل این پژوهش که بررسی تبیین ظرفیت‌های قرآن در خردورزی مسلمان‌ها و تحقق تمدن نوین اسلامی است، اشاره نداشته‌اند. اهمیت بحث لزوم تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر آیات قرآن کریم؛ زمینه‌ای برای انجام تحقیقات بیشتر و ضرورت ورود تخصصی و روشمند به این حوزه است.

هدف، شناخت و بالا بردن آگاهی در خصوص نقش قرآن در خردورزی مسلمان و در نتیجه ایجاد تمدن نوین اسلامی است. ضرورت انجام چنین پژوهشی، آشکارسازی نقش قرآن برای پژوهشگران حوزه معارف قرآنی، در چگونگی تحلیل و تفسیر اندیشه مطلوب، و مهم‌تر از همه ضرورت اثبات نقش آن در عقلانیت و ایجاد تمدن اسلامی است. چراکه هر یک از اندیشمندان و پژوهشگران حوزه قرآن، از زاویه‌ای به بررسی جنبه‌های گوناگون تمدن اسلامی پرداخته‌اند، اما این نوشتار بر پایه اصالت بخشی به آیات قرآن در خردورزی مسلمان‌ها به عنوان ریشه و بن‌مایه حق‌جویی و نقشی که می‌تواند در آفرینش و ایجاد تمدن اسلامی داشته باشد، انجام گرفته است. این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ به این سؤال است که نقش قرآن در خردورزی مسلمان‌ها و ایجاد تمدن اسلامی تا چه اندازه است؟

۱. مفهوم خردورزی و تمدن اسلامی

۱-۱. مفهوم خردورزی

واژه عقل در لغت به معنای فهمیدن، و در قرآن کریم به معنای فهم و ادراک است (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۸). اصل و ریشه در ماده این لغت، یکی بوده و آن تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی یا معنوی و سپس ضبط و حبس نفس بر طبق آن است

(مصطفوی، بی تا، ج ۸: ۱۹۶). مفردات از آن به «جولان قوه‌ی فاکره» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۶۴۳) و لسان العرب از آن به «إعمال خاطر در شیء» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۶۵) تعبیر می‌کند. عقل مهم‌ترین ابزار در یقین به مبانی دینی، و در حقیقت، عقل‌گرایی با باورهای ایمانی سازگار است (پترسون و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۲). از این نگاه عقل می‌تواند گزاره‌های دینی را تحصیل، اثبات و تبیین کند. قرآن کریم از تفکر، تعقل، تدبیر، برهان و واژه‌های هم‌ردیف مترادف آن مکرر سخن به میان آورده و همواره انسان‌ها را به تعقل دعوت کرده است. یکی از عناصر جامعه متمدن اسلامی، رشد عقلانیت در جامعه است. در بسیاری از سوره‌های مکی، استدلال و اقامه مبتنی بر عقل را می‌توان مشاهده نمود (انعام، ۷۴-۸۳؛ مومنون، ۹۱). قرآن از واژگان هم‌معنا و مترادف با «عقل» همچون لب، تفقه، علم، نظر و تدبیر استفاده‌های فراوانی کرده، اگرچه نمی‌توان به دقت عقلی این واژگان را برشمرد ولی می‌توان با ذکر نمونه‌هایی، کیفیت آن‌ها را بیان کرد، مثلاً آنجا که می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا» (ق، ۶)؛ «مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم»، و «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ» (غافر، ۲۱)؛ «آیا (مردم) در روی زمین سیروسفر نکردند تا عاقبت کار پیشینیانشان را ببینند که آن‌ها باآنکه بسیار از اینان قوی‌تر و آثار وجودیشان در روی زمین بیشتر بود سرانجام خدا به کیفر گناهانشان بگرفت (و همه را هلاک ساخت) و از (قهر و انتقام) خدا هیچ‌کس نگهدارشان نبود»، معلوم است که دعوت به تفکر و تعقل کرده و به تعبیر علامه طباطبایی «نظری تفکر و اعتبار» می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۳۲۶). رشد عقلانیت، «زمینه‌ساز رشد ایمان و معنویت است. عقل در اثبات اصول اولی دین مانند وجود مبدأ، وحدت مبدأ، اسما حسنای مبدأ، عینیت اسما و صفات باهم و با ذات مبدأ و ضرورت ارسال پیامبر (ص) و انزال کتاب و مانند آن، مبادی و مبانی بین و مبین دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۳). چراکه نبود تفکر موجب تغییر تمام شئون زندگی و پریشانی است (داوری اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۵). راغب اصفهانی قوه عقل را قوه و نیری مستعد برای پذیرفتن علم معرفی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۵۴). عقل دلیل و راهنمای مؤمن است: «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶). عقل می‌تولند از طریق تدبیر از وجود خالق آگاهی یابد، و به برخی از صفات او در خالقیت و ربوبیت پی ببرد. اصولاً به هر مقدار که انسان از رشد عقلی برخوردار باشد، به همان میزان در برابر خداوند خاضع و عابدتر است. درواقع، کمال عقلانیت در این است که انسان در برابر خداوند خاضع و خاشع باشد. «كَمَالُ الْعَقْلِ فِي ثَلَاثَةِ التَّوَاضُّعِ لِلَّهِ، وَ حُسْنِ الْيَقِينِ، وَ الصَّمْتِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ امام صادق

علیه‌السلام: کمال خرد در سه چیز است: خاکساری در برابر خدا، داشتن یقین نیکو، و خاموش ماندن به‌جز از سخن نیک» (مفید، ۱۴۱۴: ۲۴۴).

۱-۲. مفهوم تمدن نوین اسلامی

تمدن از ریشه «مدن» گرفته‌شده و معنای آن پذیرش مدنیت، شهرنشینی، خو گرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش شهر و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی و سیاسی، اقتصادی است (دهخدا، ۱۳۷۸، ج ۴: ۶۱۰۸). تمدن به معنای خروج از جهل و توحش و وارد شدن در راه انسانیت و ترقی، از معانی جدید و مستحدثه است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۴)، و در معنای اصطلاحی با واژه‌هایی همچون عمران (ابن خلدون، ۱۴۱۰: ۷۸) و حضارۀ (کوثری، ۱۳۹۴: ۶) هم‌معناست. واژه تمدن به معنای شهرنشینی، به اخلاق و آداب شهریان خوگر شدن، و همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۹). تمدن را می‌توان یک سلسله علوم و فنون که برای بهبود این زندگی مؤثر است، و یک سلسله آداب و مراسم که لازمه بهتر زیستن است، دانست (زکریایی، ۱۳۸۹: ۴۰۶). ویل دورانت می‌نویسد: «تمدن عبارت است از نظامی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلأقت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳). تمدن ثمره تلاش بشر برای بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی انسان است. هر تمدنی حقیقت و ظاهری دارد، ظاهر تمدن را به چشم می‌بینیم و آن عبارت از ثروت، قدرت، صنعت، تجارت، و قوانین و عادات است. امروزه باستان‌شناسان و کاوشگران بر این عقیده‌اند که نواحی ایران و بین‌النهرین، نخستین خاستگاه تمدن بشری بوده است (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۵). برخی تمدن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته‌تر از آن دانسته و برخی حوزه‌ی معنایی آن دو را از یکدیگر جدا کرده‌اند (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۵-۲۷). تمدن دارای نسبت‌هایی با فرهنگ و آموزه‌های اعتقادی است. در این بین، تمدن اسلامی به‌عنوان نمونه کاملی از تمدن دینی، به معنای بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است (نجفی، ۱۳۹۹: ۱۲). این تمدن مؤلفه‌هایی دارد که آن را از دیگر تمدن‌ها متمایز می‌نماید، و همین امر دلیل توجه پژوهشگران به بازخوانی تمدن اسلامی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است (حاتم زده و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۶). گام برداشتن در این مسیر، مستلزم شناخت تمدن اسلامی و بازخوانی تمدن نوین اسلامی بر مبنای راهکارهای عملی و تعامل علم و اخلاق (نصراصفهانی، ۱۴۰۰: ۲۱۴) است. شناخت مطلوب تر تمدن اسلامی که از زمان شکل‌گیری تاکنون را شامل می‌شود، می‌تواند به احیای آن در شرایط کنونی کمک

نماید. در کل، مراد از تمدن نوین اسلامی، دستاوردها در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است. شاخص های موثر در شکل گیری تمدن اسلامی شامل فرهنگ، اقتصاد، اخلاق، امنیت، سیاست و غیره است. در ادامه پژوهش، نقش عقل و خرد در پرورش و شکوفایی هر کدام از عناصر موثر در تحقق تمدن اسلامی با تبیین آیات مربوطه تشریح شده است.

۲. نقش قرآن کریم در خردورزی مسلمانها به استناد آیات

آیات بسیاری از قرآن کریم، کسانی که به عقل توجه نمی کنند را مورد سرزنش قرار داده است. هرچند عقل متاعی گران بها و باارزش است و قرآن بارها به آن سفارش کرده، اما تنها راه سعادت نیست، و به باور نویسندگان این نوشتار باید در جهت دستیابی به راه نجات، توانایی عقلی در فهم وحی داشت و ظاهر و باطن کلام خداوند را در کنار یکدیگر قرار داد. عقل در قرآن کریم به معنای فهمی است که حق را تشخیص داده و راه درست را نشان می دهد، به گونه ای که اگر انسان ملتزم به این فهم شود، نجات می یابد («وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره، ۱۳): «و چه کسی جز آنکه به سبک مغزی گراید از آیین ابراهیم روی برمی تابد». امام سجاد (علیه السلام) هیچ کس جز ما و شیعیان ما [وارد] در ملت ابراهیم (علیه السلام) نیست و سایر مردم از آن دور هستند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۶۴: ۳۳). از همین روی، یکی از بزرگ ترین نعمت های خدادادی، نیروی عقل و خردورزی انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می سازد. خداوند داشتن خردورزی را یکی از بالاترین مزیت های انسان می داند و بهترین بندگان را کسانی می داند که از این نیروی عظیم خدادادی بهره می جویند و دائماً در حال تفکر و تدبیر در دنیای پیرامون خود هستند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۷). چنان که در قرآن کریم چنین می خوانیم: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...» (آل عمران، ۱۹۰-۱۹۱): «مسلماناً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است * همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آر미ده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند...». همچنین در آیه دیگری آمده است «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ...» (اسراء، ۹): «قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد». در تفسیر این آیات می توان بیان داشت که خرافات و اوهام در منطق استوار قرآن راه ندارد. با تامل در قرآن کریم، به آیاتی برمی خوریم که اندیشه را باارزش می داند و انسانها را وامی دارد که آن را همراه، راهنما و رهبر خود گیرند و به آن تکیه کنند. سه

تعبیر مختلف «لعلکم تعقلون، افلا تعقلون، ان کتتم تعقلون» ما را به این حقیقت می‌رساند که خداوند نیروی تعقل را در اختیار انسان گذاشته که برای درک واقعیت‌ها از آن بهره ببرد و اگر غیرازاین باشد مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گیرد.

قرآن عقل و خرد را از منابع اصیل معرفت شناخته و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای آن قائل شده، و هدف از نزول آیات الهی را تعقل و اندیشه مردم ذکر کرده است. به‌عنوان مثال در آیه زیر بیان داشته: «وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (مومنون، ۸۰)؛ «و اوست خدایی که زنده گرداند و بمیراند و اختلاف و حرکت شب و روز به امر اوست، آیا شما عقل خود را کار نمی‌بندید (تا خداشناس شوید و اطاعت امر او کنید). در سوره «انعام» نیز سخن از «تفکر» است، بعدازآن که در یک استفهام انکاری می‌پرسد آیا نابینا و بینا یکسان است؟ با لحن سرزنش‌آمیزی می‌فرماید: آیا فکر نمی‌کنید و همان‌گونه که اشاره کردیم «فکر» در واقع به معنای تجزیه و تحلیل مسائل مختلف برای راه‌یابی به عمق آن‌ها، و طریقی برای فهم بهتر است. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام، ۳۲)؛ «و زندگی دنیا جز بازی و هوسرانی هیچ نیست و همانا سرای دیگر برای اهل تقوا نیکوتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟». در آیه دیگری می‌فرماید: «قد بینا لکم الایات ان کتتم تعقلون» (آل عمران، ۱۱۸)؛ «ما آیات را برای شما تبیین کردیم، اگر تعقل کنید»، همگان را به تعقل و تفکر بیشتر در همه مسائل دعوت می‌کند. حل سؤال این است که نقش قرآن در خردورزی مسلمین چیست؟ قرآن در همه موارد توصیه به خردورزی کرده و انسان‌ها را دعوت به تفکر و تدبّر می‌کند. «فَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نسا، ۸۲)؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند». قرآن کریم در سه موضوع مهم «تعقل»، «اختیار» و «شناخت» مطالبی بیان داشته است. در بحث انسان‌شناسی به خردورزی می‌نگرد، عقول انسان‌ها را موردنظر قرار می‌دهد تا با تدبّر و تأمل به حقیقت دست یابند. در خردورزی، خداوند آدمی را به جهت اینکه تدبّر، تعقل و تفکر نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌دهد، و انسان قدرت انتخاب دارد و خداوند تمام سؤالاتی که برای انسان مطرح می‌باشد را پاسخ داده است (ابیضی شلمانی، ۱۳۸۰: ۳۸). در مسئله شناخت نیز که امروزه اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۲)، قرآن توجه ویژه‌ای به این مسئله داشته (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴) و عقل را از منابع شناخت و تعقل و استدلال را از ابزار آن یاد کرده است (مبلغ، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

یکی از روش‌های قرآن کریم در طرح عقاید و تثبیت آن، روش دعوت به تدبّر و تفکر است. قرآن همیشه راه اندیشیدن را باز گذاشته و بارها به آن تشویق کرده و تشویق به

تفکر وسیله نهاده شدن فکر و تثبیت عقیده صحیح در جامعه است. دعوت به تدبر و تفکر در خود قرآن نمونه‌ای از اهتمام به اندیشیدن است. آیات ۲۱۹ سوره بقره؛ ۲ سوره یوسف؛ ۴۴ سوره نحل و ۲۹ سوره ص همگی به این امر توجه دارند، و ما را تشویق به تدبر در کتاب خدا و توسعه فکر و فهم می‌کنند. علاوه بر آیات فوق، موارد دیگری حاکی از اهمیت مسئله خردورزی و جایگاه آن در قرآن کریم است. از جمله می‌توان به آیات ۷۴ تا ۸۰ سوره أنعام؛ آیه ۲۵۸ بقره؛ آیات ۹۱ تا ۹۶ سوره صافات اشاره نمود. در آیه ۲۵۸ سوره بقره چنین بیان شده است: «لَلَّذِي تَرَىٰ إِلَىٰ الْآلِدِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره، ۲۵۸): «آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و بدان می‌نازید و] درباره پروردگار خود با ابراهیم محاجه [می‌کرد] خبر نیافتی آنکاه که ابراهیم گفت پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. گفت من [هم] زنده می‌کنم و [هم] می‌میرانم ابراهیم گفت: «خدا [ی من] خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآور». پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند، و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. سرتاسر زندگی انسان‌ها در مبارزه با بی‌خردی و نادانی صرف شده، و هر جا صحبت از مواجهه پیغمبران با قوم خود و یا با حاکمان زمان خود می‌رود، در کنار سایر دلایل و معجزات آنان، استدلال عقلی، متانت، بردباری و تلاش در رفع جهل و نادانی نیز فراوان مشاهده می‌شود. ضرورت دارد که مبارزه انبیا غیر از بی‌خردان و نادان‌ها با دانایان مستکبر زمانه خود هم بوده است. این مسئله در آیه زیر قابل مشاهده است: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل، ۱۴): «و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آن‌ها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)». همچنین در آیه دیگری این موضوع قابل مشاهده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَلْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران، ۱۸): «همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است، و اهل کتاب راه اختلاف نپیمودند مگر پس از آگاهی به حقیقت آن، و این خلاف را از راه حسد در میان آوردند. و هر کس به آیات خدا کافر شود (بترسد که) محاسبه خدا زود خواهد بود».

۳. نقش قرآن کریم در تمدن سازی اسلامی به استناد آیات

برای یافتن بهترین الگوی توسعه و تحقق تمدن نوین اسلامی، باید به دو رکن اساسی یعنی انسان و جامعه و مسیری که برای آن وجود دارد، توجه نمود و رابطه تحولات فردی و اجتماعی با یکدیگر را بر اساس آن مورد بررسی قرار داد. چنان که آیه فوق از قرآن کریم، «وَقُرْآنَ فِی بُیُوتِکُمْ وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرِجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِیدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا» (احزاب، ۳۳)؛ «و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید (و بی حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دوره جاهلیت پیشین با آرایش و خودآرایی بیرون نیایید، و نماز به پا دارید و زکات (مال به فقیران) بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید. خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب منزّه گرداند»، به این موضوع اشاره داشته است. در نتیجه، قرآن بعضی از رفتارهای ناپسند عصر جاهلی را نقد نموده و پیشرفت جوامع و رشد عقلانی و در نتیجه هویت آرمانی را ندا داده است (بلوکی، ۱۳۸۶: ۳۹). قرآن کریم به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در شکل‌دهی به جهان‌بینی انسان‌ها دارد، از مبانی تمدن‌ساز برخوردار است. با نگاهی به آیات قرآن و بررسی آموزه‌های تمدنی آن و واقعیت تمدن اسلامی؛ می‌توان کارکردها و نقش‌آفرینی‌های آن را مستند ساخت (الویری، ۱۳۹۴: ۵۹). تاریخ شهادت می‌دهد که قرآن کریم در کم‌ترین زمان توانست جامعه‌ای بسازد که به سطحی از رشد و تعالی برسد که بتواند علاوه بر توسعه محدود جغرافیایی خود، بر دیگر تمدن‌های زمان خویش فائق آید و تمدن نوینی را عرضه کند که با آنچه بشریت در گذشته تجربه کرده بود، متفاوت باشد.

بر مبنای شواهد تاریخی، پیامبر (ص) به سران کشورهایمانند ایران، روم، مصر، حبشه، شامات، و نیز رؤسای قبایل گوناگون نامه نوشتند و آنان را به اسلام فراخواندند. اگر دین اسلام و کتاب آسمانی‌اش قرآن، عمومی و جهان‌شمول نبود، چنین دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۳۸). این «اسلام بود که مغول را در خود هضم ساخت و از آدم کشانی آدم‌خوار انسان‌هایی دانش‌دوست و دانش‌پرور ساخت؛ از دوده چنگیز، محمد خدابنده تحویل داد و از نسل تیمور، بایسنقر و امیرحسین بایقرا به وجود آورد» (مطهری، بی‌تا: ۳۲۵). در جامعه متمدن اسلامی نظامی حاکم شد که مهم‌ترین ویژگی آن الهی بودن آن بود، و قدرت را وسیله خدمت و نه جلب منافع شخصی بود (شهیدی، ۱۳۷۲: ۵). اسلام در میان ملت‌ها وحدتی ایجاد نمود؛ نظیر همان وحدتی که عشق به روم ایجاد کرد. در نتیجه همان وحدت، همگی آنان دارای مصالح و آرزوهای مشترکی شدند که در نتیجه، همه تلاش‌ها و کوشش‌ها به هدف واحدی متوجه شد؛ باینکه پیش از آن دارای مصالح و آمال مختلفی بودند (گوستاولوبون، بی‌تا: ۱۵۲). در سایه چنین تمدنی، عرب،

عجم، نصارا، زرتشتی و یهودی در کنار یکدیگر مأوا گرفتند و با آرامشی وصف‌ناپذیر به خلق آثار علمی پرداختند (جان‌احمدی، ۱۳۹۰: ۶۸ و ۶۹). قرآن ترویج دین و هدایت انسان‌ها را هدف اصلی خود قرار داده، و تمدن نوینی را عرضه نمود که با آنچه بشریت در گذشته تجربه کرده بود، متفاوت بود.

نقش قرآن در ایجاد تمدن فراوان و هویداست، تأثیر آموزه‌های قرآن در بعد تربیتی، تمدن‌سازی است که این مهم نه تنها در قرون گذشته محقق شده، بلکه این قابلیت وجود دارد تا مسلمانان عصر حاضر با بازگشت به قرآن به بازاندیشی تفکر عقلانی خویش و شکل دادن یک جهان‌بینی عقلی و دینی منسجم و کارآمد، خود را از عقب‌ماندگی علمی، معنوی و تربیتی نجات دهند و به بازتولید تربیت متعالی و تمدن نوین اسلامی اقدام کنند. در طول تاریخ اسلام، نقش قرآن برای تمدن نوین اسلامی مورد توجه است. از نظر قرآن، در تمدن‌هایی که بر اساس اندیشه و کردار غیر پیامبران شکل گرفته نیز، خداوند حضور دارد، چراکه تمامی قدرت و علم از آن خداست. خداوند تأکید می‌کند که همه عالم مال خداست، «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حلید، ۲۵): «همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گریند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را باایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هرچند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است»، تأکید می‌کند که تمدن‌ها از طریق پیامبران و کتابی که با خودشان داشتند، همواره شکل گرفته‌اند. البته به دلیل نگرش الحادی، فرمانروایانی چون فرعون، خود را در مقام خدا دیده و تمدن موجود را به خود نسبت داده‌اند.

هرچند هرگونه تغییر و تحول در ساختارهای اجتماعی و سیاسی، تابع تغییر در اساس روانی و باطنی انسان است. چنان‌که بر مبنای آموزه «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد، ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند...، قابل مشاهده است، اما این تحول باید در سطحی فراگیر و گسترده و بر مبنای آموزه‌های قرآنی انجام گیرد تا به تحولات بنیادین در جامعه منجر گردد، و تحقق تمدن اسلامی نوین در گروه فعالیت‌های خود انسان‌هاست.^۱

^۱ در قرآن، از تمدن‌های مختلف یافت شده و پس از طی کردن مراحل رشد و تکامل، میراث تمدنی خود را به تمدن‌های دیگر داده‌اند. تمدن قوم عاد تمدنی است که در قرآن از آن یاد شده و در این کتاب آسمانی

درواقع، جهان‌شمولی تمدن بشری، یعنی حقیقت وحی قرآنی تنها مختص به اسلام نیست، بلکه اختصاص به همه ادیان دارد، به همین دلیل اسلام حضور روحانی همه پیامبران را در این دین نگاه داشته و جهان‌شمولی آن نیز بدان معناست که برای همه بشر در همه اعصار قابل بهره‌برداری است، و یهودیان، مسیحیان و زردشتیان می‌توانند در کنار یکدیگر مأوا گیرند و با آرامشی وصف‌ناپذیر به خلق آثار علمی مبادرت نمایند. به‌عنوان مثال، قرآن به‌شدت استبداد و تحمیل ستم بر طبقات فرودست را محکوم می‌کند و در حمایت از آنان به پا می‌خیزد و وعده استیلای آنان بر ستمگران را می‌دهد که پایان حتمی تاریخ است (بنی حسن، ۱۳۹۹: ۲۷). «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵)؛ «خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم؛ «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» * «وَأَلَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (توبه، ۳۲-۳۳)؛ «می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هرچند کافران را خوش نیاید» * «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هرچند مشرکان خوش نداشته باشند». هرچند که این دو آیه پیرامون عالم‌گیری دین الهی در جهان و ناتوانی کفار در خاموشی نور الهی است، و صراحتی در پیروزی مستضعفان بر مستکبران ندارد، اما نقش هدایتگری خداوند به‌وسیله پیامبران و انبیا حاکمی از عالم‌گیری دین الهی است.

در باب سيطرة اسلام بر سایر ادیان، آیات ۹ سوره صف و ۲۸ سوره فتح بر این موضوع تأکید دارند. راغب اصفهانی در تفاوت بین دو تعبیر «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» در سوره توبه و «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» در سوره صف، متعلق اراده در «أَنْ يُطْفِئُوا...» خود إطفاء به‌طور مستقیم است. آنان می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، اما متعلق اراده

فراز و فرود این تمدن و نافرمانی‌های این قوم آمده و ریشه این نافرمانی را تفاخر به ساختمان‌های بلند و قدرت خویش معرفی می‌کند. ضمن آنکه علم و دانش یکی از عوامل شکوفایی تمدن قوم عاد بود، اما قرآن کریم نازل شدن هفت شبانه روز عذاب الهی را مجازات نافرمانی آن‌ها برمی‌شمارد. «الْمُ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * «الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ» * «وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ» * «وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَانِ» * «الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ» : «مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد * با عمارات ستون‌دار ارم * که ماندش در شهرها ساخته نشده بود * و با ثمود همانان که در دره تخته‌سنگ‌ها را می‌بریدند * و با فرعون صاحب خرگاه‌ها [و بناهای بلند] * همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند».

در عبارت «لِيُطْفَئُوا...» سبب اطفاء است (نه خود اطفاء) یعنی در جستجوی چیزی هستند تا به وسیله آن به خاموش ساختن نور خدا برسند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۳). بنابراین، خاموشی غرض و غایت برای این کار است (نجارزادگان، ۱۳۸۹: ۴۵). علاوه بر آیات متعدد، موارد دیگری وجود دارند که حاکی از اهمیت مسئله تمدن سازی و پیشرفت جوامع و جایگاه آن در قرآن کریم است. از جمله می توان به آیات ۵ و ۶ سوره قصص و آیه ۵۵ سوره نور اشاره نمود. در ادامه، آیه ۵۵ سوره نور تحلیل شده است. در این آیه چنین بیان شده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵)؛ «خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند». این آیه نوید حکومت جهانی است، حکومتی که نصرت الهی را در پی دارد و در این حکومت ترس و خوفی نیست، بلکه امنیت برقرار است و هر فرد می تواند در پرتو محیطی امن و سراسر آسایش، زندگی پرنشاطی را بگذراند.^۱ مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است که نتیجه نهایی آن، پیروزی اهل حق است. بنابراین کسانی در این حکومت سهیم خواهند بود که در عمل، در گروه اهل حق باشند. از مجموع آیات و روایات می توان دریافت که قیام مهدی موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)، آخرین حلقه از مجموع حلقه های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است (صیاد اربابی، ۱۳۸۸: ۲۸). در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله: سه مرتبه فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳)؛ «یعنی اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد». در جای دیگری فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵)؛ «بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد» و در جای دیگر می خوانیم: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص، ۸۳)؛ «و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است»، مراد از جانشینی مؤمنان در آیه یا جانشینی از خداست و یا جانشینی از اقوام فاسد هلاک شده

^۱ شاخصه امنیت در تمدن اسلامی، وجودش ضروری است. مولفه های امنیت ساز و راه های تامین آن و فرهنگ سازی آن بر اساس آیات قرآن می تواند به تبیین بهتر تمدن اسلامی کمک نماید.

است (متوسلی، ۱۳۷۵: ۸۲). با تکیه بر این آیات می توان به استخراج مولفه های مربوط به تمدن سازی یا الگوی تمدن سازی اقدام نمود. قرطبی می گوید: «یکی از مصادیق سیطره اسلام بر دیگر ادیان این است که دینی به جز اسلام در آخرالزمان باقی نمی ماند» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۸۶). وی در تأیید این قول، روایات ابوهریره و مجاهد را نقل می کند. دیدگاه شوکانی نیز همین است (شوکانی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۲۲۱). هرچند که در این مبحث، پیرامون تصویر قرآن از آخرالزمان و گسترش دین حق صحبت شد، و در نگاه اول با نقش قرآن در تمدن سازی هماهنگ نیست، اما از آنجا که تصویرسازی از آخرالزمان و گسترش دین حق صرفاً در یک دین کامل مشاهده می گردد، می توان دریافت که نقش قرآن در اشاره به حکومت نهایی صالحان، ایجاد تمدن و جامعه مطلوب است.

۴. جامعه مطلوب در تمدن اسلامی از منظر قرآن

جامعه مطلوب مورد نظر قرآن، دارای مسائل بی شمار و جنبه های گوناگونی است از برخی جامعه ها و تمدن ها همچون تمدن «سبأ» و راز و رمز ترقی، شکوفایی و علل نزول و سقوط و غروب غم بار آن ها پیام دارد (کرمی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). بر اساس آموزه، «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱)؛ «نگاه قرآن به تحولات اجتماعی و تمدن بشری»، بر نگرش عدم تغییرات اجتماعی مگر با خواست خود جامعه استوار است؛ زیرا در این آیه به روشنی بیان می شود که توسعه و تحول در تمدن بشری بر خواست و اراده جامعه استوار است. این تحول باید در سطحی فراگیر انجام گیرد تا به تحولات منتهی شود. از نگاه قرآن کریم، دگرگونی ها و تحولات اجتماعی، مستلزم غایت شناسی و هدف گزینی انسان هاست و مهم ترین غایت، مبدأ نخستین هستی است. به عنوان مثال در آیه زیر بیان داشته: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْآنْهَارَ» (ابراهیم، ۳۲)؛ «خداست آن که آسمان ها و زمین را آفرید و باران را از آسمان فروبارید تا بدان انواع ثمرات و حبوبات را برای روزی شما بر آورد، و کشتی ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود و نهرها را (به روی زمین) به اختیار شما جاری گردانید». در این چارچوب، پیامبر (ص) با این الگوی تمدنی توانست در مدت زمان کوتاهی، تحولات بنیادین در جامعه عربستان به وجود آورد و جامعه ای جاهلی را به جامعه ای متمدن تبدیل سازد. پیامبر (ص) با اعلام اولین پیمان نامه عمومی یا قانون اساسی مدینه (ابن هشام، ۱۳۶۳،

ج ۲: ۱۳۷-۱۵۰؛ ابن کثیر، ۱۹۶۶: ۲۲۴-۲۲۶)، نظام شهروندی جدید را با معیارهایی نوین مطرح ساخت و ضمن سامان بخشیدن به اوضاع اجتماعی، جامعه را به سوی وحدت تازه‌ای رهبری فرمود. با پیمان اخوت، مرزهای دینی، جایگزین مرزهای قبیله‌ای و خانوادگی گردید (حلبی، بی‌تا، ج ۲: ۹۲). روابط و پیوندهای جدید با تعالیم دینی و اجتماعی، مانند عبادات جمعی نماز، حج، جهاد، تحکیم گردید. از سوی دیگر، اسلام بر سراسر جزیره‌العرب سیطره یافت و به‌مرورزمان، مناطقی که پیش از اسلام، دشمنان یکدیگر محسوب می‌شدند؛ مانند بیزانس و ایران، زیر پرچم واحدی قرار گرفتند و به‌واسطه اسلام با یکدیگر متحد شدند (اشپولر، ۱۳۶۶: ۲۷). توجه به کشاورزی که عامل اصلی در تمدن‌سازی انسانی است، از سیاست‌های مهم پیامبر بوده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۶۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۳۵). پیامبر با توجه به ضرورت‌های جامعه نوین اسلامی در مدینه با سیاست‌گذاری‌های روشن، در زمینه مسائل اقتصادی، از سویی به دنبال تدارک منابع درآمد دولت جدید بود و از سوی دیگر، برای رفع فقر و مشکلات اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مسلمانان و کم کردن فاصله طبقاتی جامعه و استقرار عدالت اجتماعی تلاش می‌کرد و همه این‌ها به دلیل موزون ساختن و هماهنگ کردن تحولات اجتماعی؛ اقدامات مهمی در راستای توسعه شهرنشینی و ایجاد تمدن بود.

بنابراین، خاستگاه تمدن را باید آموزه‌های وحیانی اسلام دانست که در قرآن آمده است. با نگاهی به قرآن و آموزه‌های تمدنی آن از یک‌سو و واقعیت تمدن اسلامی، کارکردها و نقش‌آفرینی‌های قرآن از سوی دیگر؛ قرآن دربردارنده آموزه‌های تمدنی است که در قالب واژگانی واجد مفهوم کلی تمدن همچون آثار، بلد، تمکن، حیات طیبه، عمران، قانونمندی‌های حاکم بر تمدن‌ها، ارثه اطلاعاتی درباره سرزمین‌ها یا اقوام دارای میراث تمدنی، اجزای یک تمدن و شخصیت‌های تمدن ساز و تمدن سوز قابل صورت‌بندی است (الویری، ۱۳۹۴: ۵۸). هر تمدنی زیرساخت‌ها، نظام‌ها و نهادهای خود را متأثر از باورها و ارزش‌های بنیادی خود به‌تدریج می‌سازد و در تمدن پیشین مسلمانان نیز همین فرایند متأثر از آموزه‌های قرآنی بوده است. در نتیجه، اگر یک آیه بتواند بیانگر نگاه قرآن در زمینه توسعه و پیشرفت باشد، در بیشتر موارد همان آیه برای نگاه تمدنی قرآن هم می‌تواند مستند قرار گیرد. قرآن افزون بر جهت‌دهی و تعیین روح کلی تمدن اسلامی، و بر مظاهر تمدنی به‌ویژه چهار قلمرو علم، هنر، معماری و زندگی اجتماعی مسلمانان نیز اثرگذار بوده است. نقش‌آفرینی قرآن در صحنه اجتماعی و تمدن‌سازی وجود داشته، و می‌تواند منشأ تحول عمیق و همه‌جانبه باشد. امروزه با بازگشت دوباره به قرآن و محور قرار دادن آن در حوزه‌های مختلف می‌توان زمینه‌ساز محوریت دوباره قرآن در تمدن جدید اسلامی شد.

بی تردید واکاوی تجربه گذشته مسلمانان می‌تواند آسیب‌های موجود در این مسیر را دور سازد و تمدن مطلوب را نصیب همگان گرداند. مسئله مهم در زمینه شکل‌گیری اندیشه مطلوب، تحقق ابعاد تمدن‌سازی با عناوینی همچون علم، عدالت، امنیت، اقتصاد و اخلاق‌مداری بر مبنای آموزه‌های قرآنی است. همان‌طور که در آیه ۲۷۵ سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَمَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره، ۲۷۵)؛ «آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند جز به‌مانند آن که به وسوسه شیطان مخبَط و دیوانه شده‌اند».

در راستای نقش قرآن در ایجاد پیشرفت، ترغیب احکام اسلامی به فراگرفتن علم با استناد به آیات قرآن بیان و به این مسئله اشاره شده که موضوع آموختن علم، در اسلام گستره‌ای عام دارد، اگرچه علوم مرتبط با اصول عقاید ارزش والاتری دارد. رکن دیگر تمدن، عدالت است که به‌صراحت در آیات قرآن بیان شده و جلوه‌های خارجی آن در حکومت پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (علیه‌السلام) مبین است. امنیت گواه روشن بر نقش تعالیم اسلام است و پیشرفت اقتصادی نقشه راه قرآن برای توسعه اقتصادی است و با تکلیف انسان‌ها در آباد ساختن مشخص شده است. همچنین در صورت فقدان اخلاق، تمدن مطلوب حاصل نمی‌شود (قربانی، ۱۳۹۳: ۴۲). سیر نزولی تمدن اسلامی زمانی آغاز شد که حضور مؤثر دین در عرصه اجتماع کاهش یافت و خواسته‌های نفسانی در قالب استبداد، تنبلی، تن‌پروری، قدرت‌طلبی و رفاه‌جویی جای آموزه‌های اسلامی را گرفت. با وجود گذشت قرن‌ها، گرچه خرده تمدن‌هایی به‌صورت پراکنده از جمله در هند، ایران و عثمانی پا گرفته و هر یک اهمیت خاص خود را دارند، اما همچنان دستیابی مسلمانان به تمدنی با آن عظمت فراهم نشده و در انتظار تمدن مطلوب به سر می‌برند (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۱۹).

چیزی که قابل شک و تردید نیست، این مسئله است که حیات و زندگی انسان یک حیات فکری است. بدون اندیشه زندگی انسان پا نمی‌گیرد، در نتیجه هرچه اندیشه صحیح‌تر و کامل‌تر باشد، حیات انسان نیز دیرپاتر خواهد بود. این حقیقت در آیات بسیاری همچون سوره انعام: آیه ۱۲۲؛ سوره زمر: آیه ۹؛ سوره مجادله، آیه ۱۱ قابل مشاهده است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۷۳؛ حسینی، ۱۳۹۸: ۶۷۱۴). «أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زِينٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۲۲)؛ «و آیا کسی که مرده (جهل و ضلالت) بود ما او را زنده کردیم و به او روشنی (علم و دیانت) دادیم تا به آن روشنی میان مردم (سرافراز) رود مثل او مانند کسی است که در تاریکی‌ها (ی جهل) فرورفته و از آن به در نتواند گشت؟ (آری) کردار بد کافران در نظرشان چنین جلوه‌گر شده است». «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ

الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۹)؛ «آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است بهتر است) یا آن کس که ساعات شب را به طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟ بگو: آیا آنان که اهل دانش‌اند با مردم جاهل نادان یکسان‌اند؟ منحصراً خردمندان متذکر این مطلبند». مهم‌ترین محورهای «اندیشه و تعقل» در قرآن کریم، همانا اندیشه در سرنوشت گذشتگان و عبرت‌آموزی از ماجراهایی است که بر آنان گذشته است. در آیه ۱۶۴ سوره مبارکه بقره خداوند عزیز آدمیان را به اندیشه در خلقت آسمان‌ها و زمین، پیدایش شب و روز، حرکت کشتی در دریاها، نزول باران از آسمان، زنده شدن زمین مرده در بهار، وزش بادهای و حرکت ابرها دعوت می‌نماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره، ۱۶۴)؛ «در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت‌وآمد شب و روز، و کشتی‌ها که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکت است، و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا به آن آب، زمین را بعد از مردن زنده کرد و سبز و خرم گردانید، و در پراکندن انواع حیوانات در زمین، و گردانیدن بادهای (به هر طرف) و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، در همه این امور ادله‌ای واضح برای عاقلان است». آیات بسیاری از قرآن کریم را می‌توان ذکر نمود که این چنین ما را به اندیشه در عالم آفرینش و مخلوقات خداوند فرامی‌خوانند که از آن جمله می‌توان به آیات ۱۹۱ آل عمران، ۳ و ۴ رعد، ۱۱ و ۱۲ نحل، ۱۳-چایه، ۶۹ و ۸۰ مؤمنون، ۲۱ و ۲۴ و ۲۸ روم اشاره داشت. در صلابت و ارزشمندی جملات قرآن، همین بس که گذشت زمان آن را نورانی‌تر و متجلی‌تر نموده و هر چه بشر در آن سیر کرده و به حقیقت آن پی برده، جلوه‌ای تازه در جهت رشد و پیشرفت و ایجاد اندیشه‌ای مطلوب نمایانگر شده است.

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین منابع دریافت علوم و جنبه‌های مختلف آن، رجوع به متن قرآن به‌عنوان عالی‌ترین و تأثیرگذارترین منبع معارف اسلامی است. قرآن کریم عامل خردورزی است و این نقش در کلام الهی قابل مشاهده است. چراکه همیشه انسان را به تدبّر و تفکر دعوت نموده، و تأکیدهای فراوانی در مورد عقل و به‌کارگیری آن در امور مختلف وجود دارد. برای نشان دادن اهمیت هرچه بیشتر آن، سخن از انسان‌هایی به میان آمده که سرتاسر زندگی خود را در مبارزه با بی‌خردی و نادانی صرف کرده‌اند. نقش قرآن علاوه بر خردورزی مسلمین، در ایجاد تمدن و درنهایت شکل‌دهی اندیشه مطلوب است. الگویی که در عصر پیامبر (ص)، جامعه منحط عرب را به جامعه‌ای الگو و درخشان در تاریخ بشری تبدیل نمود. البته در یک تحلیل تاریخی دقیق از تمدن اسلامی، باید همه نقاط فراز و فرود یکسان مدنظر قرار گیرد. اما جامعه‌ای با چنان تحولی بر مبنای جهان‌بینی الهی و آموزه‌های اسلامی به وجود آورد که زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ و تمدنی اسلامی گردید. این مسئله علاوه بر ظاهر قرآن، با استنباط در باطن آن نیز قابل مشاهده است، و اشارات بطنی قرآن نسبت به حکومت آخرالزمان و اتفاقات آن زمان را می‌توان مشاهده نمود. در این پژوهش، با بررسی آیاتی که توجه ویژه‌ای به مسئله آخرالزمان و خردورزی مسلمان‌ها داشته‌اند، مشخص گردید که این موضوع در بسیاری از آیات وجود داشته است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۴۱۰)، مقدمه *ابن خلدون*. مصر: مکتبه التجاریه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، ج ۵، بیروت: دار صادر.

ابن کثیر، عمادالدین. (۱۹۶۶م). *البدایه و النهایه*. تحقیق علی شیری. جلد هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۶۳). *السیره النبویه*. تحقیق عبدالحفیظ شبلی و دیگران. جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات ایران.

ایضی شلمانی، حسین، (۱۳۸۰)، *پرسش و پرسشگری در قرآن کریم*. دانشکده علوم انسانی، قم: دانشگاه علوم قرآن و حدیث.

اشپولر، برتولد. (۱۳۶۶). *جهان اسلام*. ترجمه قمر آریان، تهران: انتشارات امیرکبیر.

بلوکی، افضل، (۱۳۸۶)، «راه کارهای رشد خردورزی در قرآن کریم». *اندیشه‌های اسلامی*، سال ۵، شماره ۶، صص ۳۵-۶۰.

بنی حسن، علی‌اصغر، (۱۳۹۹)، «مبانی تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن کریم». *رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی*، سال ۲، شماره ۱۱۲، صص ۳۱-۲۵.

جان‌احمدی، فاطمه. (۱۳۹۰). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. تهران: نشر معارف.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. تحقیق و تنظیم احمد واعظی، چاپ هفتم، قم: انتشارات اسراء.

حاتم زاده، سهراب؛ اسماعیلی شاد، بهرنگ؛ میرزامحمدی، محمدحسن؛ سلیمان پور، محبوبه. (۱۴۰۱). *تبیین مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در آیات قرآن: مرور نظام‌مند*.

فصلنامه علمی قرآن، فرهنگ و تمدن، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۲۷-۹۴.

حرّ عاملی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد ۱۵، طبع دوم، قم: تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

حسینی، سیدجواد، (۱۳۹۸)، *قرآن کتاب اندیشه و عمل*، قم: نشر احسان.

خادمی سیدبنادکی، علی محمد، (۱۳۷۸)، *خردگرایی در نهج‌البلاغه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه معارف اسلامی.

خیام باشی، احسان، (۱۴۰۰)، «برنامه‌ریزی و طراحی الگوی قرآنی شهر طیب منطبق با گام دوم انقلاب، در تحقق کالبدی تمدن‌سازی نوین اسلامی». *قرآن، فرهنگ و تمدن*، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۴۸-۱۲۰.

داوری اردکانی، رضا، (۱۳۹۱)، *وضع کنونی تفکر در ایران*. تهران: انتشارات سروش.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۸). *سنت نامه*. ج ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۶۷). *تاریخ تمدن*، مترجم احمد آرام و دیگران، جلد اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، صفوان عدنان داودی، ج ۱، دمشق: دارالعلم الشامیة.
- زکریایی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، *فرهنگ مطهری، مفاهیم، اصطلاحات و تعابیر علوم انسانی دینی از دیدگاه استاد شهید مطهری*. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۵)، *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی (ماده عقل)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شریف عسکری، بشری، (۱۳۹۷)، *علوم قرآن و حدیث*. دانشکده اصول الدین، قم: دانشگاه مرکز.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۲). *نهج البلاغه*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- شوکانی، محمدبن علی، (۱۴۱۷)، *فتح القدير*، جلد پنجم، لبنان: مکتبه العصرية.
- صالحی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، «*خردورزی در مکتب پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)*». *مجله فرهنگ کوثر*، سال ۷، شماره ۷۳، صص ۱۸-۱۲.
- صیاد اربابی، موسی، (۱۳۸۸)، «*حکومت الهی*». *فصلنامه معارف اسلامی*، سال ۵، شماره ۷۷، صص ۴۲-۲۶.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۲، ۵، ۱۶ و ۱۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فرزنده، محملباقر؛ خیاط، علی؛ صفرپور، هادی. (۱۳۹۷). *تبیین عواهل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری*. *پژوهش های اجتماعی اسلامی*، ۲۴ (۱۱۸): ۲۰۵-۱۷۷.
- قربانی، قدرت الله، (۱۳۹۳)، «*نقش قرآن در شکوفایی حیات عقلانی تمدن اسلامی*». *پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۶۱-۳۵.
- قرشی بنانی، سید علی اکبر. (۱۳۸۸). *قاموس قرآن*. جلد ۲ و ۶، چاپ دوازدهم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد، (۱۳۶۴)، *الجامع الاحکام فی القرآن*. جلد هیجدهم، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- کرمی، علی. (۱۳۸۱). «*لندیشه جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن*». *فرهنگ جهاد*، سال ۵، شماره ۲۸، صص ۱۲۷-۱۱۴.

کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۳۸۸)، *اصول کافی*. جلد اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کوثری، عباس، (۱۳۹۴)، «نقش قرآن در شکل‌گیری تمدن اسلامی». *فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا*، سال ۶، شماره ۹۴، صص ۲۲-۱.

گوستاولوبون، (بی‌تا). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه سیدهاشم حسینی تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.

مبلغ، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۸). *شناخت در قرآن از نگاه مطهری*. پژوهش‌های قرآنی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۴۱-۱۱۸.

متوسلی، علی محمد، (۱۳۷۵)، *رمضان با قرآن براساس تفسیر نور محسن قرائتی*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

مجلسی، محمدباقرین محمدتقی. (۱۳۸۶). *بحارالانوار*. ج ۲ و ۶۴، چاپ چهاردهم، قم: انتشارات اسلامی.

محمدی آشنانی، علی؛ سجادی جی، سیداحمد، (۱۴۰۱)، «بررسی تحلیلی مؤلفه‌های خودشناسی قرآنی و کاربست آن در پرورش و تکامل انسان». *قرآن، فرهنگ و تمدن*، سال ۳، شماره ۸، صص ۲۰-۱.

مصطفوی، حسن. (بی‌تا). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۸ و ۹، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. (بی‌تا). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. قم: انتشارات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). *شناخت در قرآن*. مشهد: انتشارات سپاه پاسداران.

معین، محمد، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۴). *الاختصاص*. بیروت: دار المفید.

نجاززادگان، فتح‌الله، (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدوی (اظهار دین) از دیدگاه فریقین». *مشرق موعود*، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۵۶-۴۰.

نجفی، موسی. (۱۳۹۹). نظریه «تمدن نوین اسلامی» از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، سال ۳، شماره ۲، صص ۴۰-۱.

نصراصفهانی، محسن. (۱۴۰۰). طراحی مدل تمدن‌سازی نوین اسلامی با نقش میانجی‌گری سرمایه اجتماعی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۲۲۶-۲۱۰.

الهی دوست، حمید، (۱۴۰۰)، «نقش وعده‌ووعیدهای الهی در شکل‌گیری تمدن با تکیه بر آیات قرآن کریم». *قرآن، فرهنگ و تمدن*، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۱-۴۴.

وحیدی منش، حمزه علی، (۱۳۸۶)، «عناصر تمدن ساز دین اسلام». معرفت، سال ۵، شماره ۱۲، صص ۳۴-۱۵.

ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهش

الویری، محسن، (۱۳۹۴)، «کارکرد تمدن قرآنی؛ یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی». نقد و نظر، سال ۲۰، شماره ۴، صص ۷۶-۵۵.

یعقوب زاده، هادی، (۱۳۸۳)، نقش و جایگاه قرآن کریم در پایه‌ریزی تمدن صدر اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی.